



عربستان سعودی را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین قدرت‌های منطقه‌ای غرب‌آسیا و یکی از اصلی‌ترین رقبای جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا محسوب کرد. این کشور در طول دهه‌های گذشته سیاست خارجی خاصی را در پیش گرفته که عمدتاً به محافظه‌کاری‌واحتیاط‌معروف‌بوده‌است.دولت‌عربستان در چند سال اخیر با کنار گذاشتن سنت‌های سابق در سیاست خارجی خود به تغییر رویکرد و اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی روی آورده است. در چنین شرایطی پرسش از ریشه‌های آن تغییر از یکسو و تأثیرات و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر اهمیت بالایی دارد. ایران و عربستان سال ۱۳۰۷ پس از تشکیل حکومت عربستان با یکدیگر روابط سیاسی برقرار کردند و سال ۱۳۰۹ سفارت ایران در کشورهای دیگر شد تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی،ایران و عربستان به عنوان ۲ ستون سیاسی واقتصادی، ثبات منطقه را تأمین می‌کردند. هرچند در زمان حکومت پهلوی در ایران روابط این دو کشور در خطوط متناقضی قرار داشت، چرا که از یک‌سو میان این دو کشور حالتی از رقابت و ترس متقابل حاکم بود که این وضعیت را می‌توان از جریان خرید تسلیحاتی ۲ کشور دریافت‌واز سوی دیگر، هر دو کشور دارای منافع مشترک نیز بودند. ممانعت از طغیان ایدئولوژی‌های رادیکال (از عراق تا یمن جنوبی) و جلوگیری از افشته کردن ساختار سیاسی داخلی سنتی با توازن درون شبه‌جزیره و منطقه خلیج‌فارس از مصادیق منافع مشترک ایران و عربستان به شمار می‌فت. این منافع مشترک منجر به ایجاد روابط عادی بین ۲ کشور شده بود. ایران و عربستان را می‌توان از مهم‌ترین بازیگران منطقه جنوب غرب آسیا در طول تاریخ معاصر دانست. بازیگرانی که دوره‌ای هرچند با نظارت قدرت سوم ولی باز در یک راستا و یک جهت طی کردند و پس از مدتی با تغییر در ساختار ایران، تقابلی جدی و آشکار را در عرصه‌های مختلف آغاز کردند. بازیگرانی که هر دو به دنبال نقش‌آرایی در منطقه‌ای بوده و هستند و رقابت بین این دو بی‌جا رسیده است که هم‌اکنون باید گونه‌های از جنگ سرد را بین این دو در جریان دانست. در چنین شرایطی با توجه به گسترش تهدیدات عربستان سعودی برای ایران اسلامی، از یکسو توجه به ریشه‌ها و انگیزه این سیاست تهاجمی عربستان و از سوی دیگر تلاش برای خنثی‌سازی سیاست‌های این کشور مهم تلقی می‌شود. در این راستا اتخاذ سیاست‌هایی متوازن به نفعی که هم تهاجم بیشتر از سوی سعودی‌ها را باعث نشود و هم به مهار سیاست‌های این کشور در تقابل با جمهوری اسلامی ایران بینجامد مورد توجه قرار می‌گیرد.

■ **تلاش‌ها برای حذف ایران**

سال‌های سال است عربستان سعی دارد با ترویج اندیشه وهابیت در میان اهل تسنن بویژه جهان عرب خود را به عنوان رهبر اعراب و مسلمانان معرفی کند و برای این اقدام سعی دارد در منطقه قدرت‌های منطقه‌ای را یک‌یک با اقدامات سلبی کنار بزند تا خود را به عنوان قدرت اول منطقه معرفی کند. در میان کشورهای جهان اسلام ۵ کشور وجود دارند که شرایط اندیشه قابل ارائه در جهان و سیاسی‌شان این اجازه را به آنها می‌دهد که داعیه‌دار این رهبری باشند؛ ایران، ترکیه، عربستان، مصر و عراق. در این میان عراق به دلیل درگیری در جنگی طولانی مدت توان خود را برای رهبری از دست داده و مصر نیز بعد از انقلاب نافرچاسم و درگیری‌های درونی و تضعیف بنیان‌های اقتصادی و نداشتن اندیشه قابل ارائه در جهان اسلام ۵ کشور وجود دارند که شرایط جغرافیایی، تاریخی و سیاسی‌شان این اجازه را به آنها می‌دهد که داعیه‌دار این رهبری باشند؛ ایران، ترکیه، عربستان، مصر و عراق. در این میان ایران توان اقتصادی خود را افزایش داده و از سوی دیگر با رأس کار قرار گرفتن اسلامگراها و گرفتن برخی زست‌های اسلامی در حوزه بین‌المللی سعی کرده بازگشتی به دوران عثمانی داشته باشد اما با اغتنامه سال‌ها فعالیت جریان لاییک و غربی‌گری ترکیه به این زودی‌ها نخواهد توانست مدعی رهبری جهان اسلام شود. اما در این میان ایران دارای ویژگی‌های مهمی است که می‌تواند از آن برای رهبری جهان اسلام بهره

تأملی بر سیاست‌های خصومت‌آمیز عربستان سعودی علیه ایران

رقابت ژئوپلیتیک دشمنی استراتژیک

- محمود نورانی*

باعث شده است رهبران عربی در رابطه با اسرائیل در بسیاری از موارد با احتیاط و پنهان اقدام کنند اما این روزها حاکمان عربستان سعودی در فضایی جدید روابط خود را با رژیم صهیونیستی آشکار کرده‌اند.

■ **حاکمیت جدید سعودی؛ اتحاد با اسرائیل علیه ایران**

آل سعود که در مدت اخیر روابط خصمانه خود را با ایران افزایش داده است از هر فرصتی برای مقابله با ایران بهره می‌برد تا به هرشکلی اسرائیل را به خطر بیندازد. در رابطه با گسترش روابط با اسرائیل در نیز در اصل سعودی‌ها برقراری روابط با رژیم صهیونیستی را در راستای منافع ۲ طرف می‌دانند و منفعت مرکزی این دو، دشمنی با ایران است، به این معنی که عربستان مانند اسرائیل از ایران و برنامه هسته‌ای پیشرفته آن و نیز توسعه نفوذ این کشور در غرب آسیا بشدت بيمناک است. در همین ارتباط یکی از نشریات فرانسه اخیراً با انتشار مطلبی با عنوان «همکاری فنی»، از روابط اسرائیل و عربستان خبر داد و نوشت: سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل و عربستان چند سال است با یکدیگر همکاری دارند اما اخیراً تصمیم گرفتند این همکاری بخش سایبری را نیز شامل شود و کارمندان عالی‌رتبه اطلاعات کل عربستان اخیراً از اسرائیل خواستند در بهبود توانمندی‌های فنی به آنان کمک کنند. به نوشته این مجله فرانسوی، عربستان اکنون پیشرفت در بخش سایبری– اطلاعاتی را مورد توجه قرار داده و به دنبال توسعه توانمندی‌های کنترل مراکز عملیاتی خود‌است.

گسترش روابط اسرائیل و سعودی و کینه‌توزی‌های روزافزون سعودی‌ها نسبت به ایران و اظهارنظرهای نابخردانه حکام جوان و کم‌تجربه سعودی این گواهی را می‌دهد که از رابطه سعودی–اسرائیل باعث تیره‌تر شدن هرچه بیشتر روابط ریاض–تهران خواهد شد و با این شواهد باید منتظر رفتارها و اقدامات کینه‌توزانه بیشتری از سوی عربستان سعودی باشیم.

■ **یمن؛ پرونده‌ای استراتژیک برای ایجاد چالش ژئوپلیتیک**

مهم‌ترین استدلال سعودی‌ها در توجیه تجاوز نظامی به یمن تسلط حوثی‌ها بر یمن با طراحی ایران و تهدیدات آن برای امنیت دولت سعودی، منطقه و تنگه باب‌المندب است. به تعبیر دیگر، ائتلاف به رهبری عربستان سعودی با هدف مقابله با یک تهدید فوری و حیاتی(البته از دیدگاه کشورهای عضو ائتلاف) یعنی «گسترش نفوذ ایران» شکل گرفته است. تمرکز بر رفتارشناسی حکومت آل‌سعود باید دانست عربستان بشدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران بویژه در میان شیعیان است و تلاش می‌کند نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. در واقع، مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیک‌ترین همسایه‌های سعودی یعنی بحرین و یمن، از مهم‌ترین اهداف عربستان در منطقه است. عربستان در سال‌های گذشته در چارچوب رقابت با ایران بر سر برتری منطقه‌ای بشدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و بحرین و تشکیل آنچه با عنوان «هلال شیعی» نامیده می‌شود نگران بوده و تلاش کرده است این نفوذ را مهار کند. بنابراین با با قدرت‌گیری انصارالله در یمن بشدت احساس خطر کرده است. به همین دلیل عربستان سعودی برای از بین بردن قدرت حوثی‌ها و تضعیف یا مقابله با نفوذ آنها در منطقه، دست به لشکرکشی و جنگ زده است. در واقع، عربستان قدرت‌گیری شیعیان زیدی در یمن را همانند افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تعبیر می‌کند و خود را در محاصره شیعیان می‌بیند. به همین دلیل است که این کشور دست به حمله به یمن زده است. مقامات سعودی بر این باورند سیاست خارجی جدید آنها منافع عربستان را به شکل کامل تأمین خواهد کرد. از نظر آنها این سیاست می‌تواند وزن ژئوپلیتیکی عربستان در خاورمیانه در حال تحول را افزایش دهد و به شکلی روند امور را دوباره به سود کشورهای عربی با محوریت اهل تسنن تقویت کند. به باور آنها تغییر در کشورهای حامی ایران سبب تضعیف محور مقاومت و تقویت جریان محافظه‌کار با محوریت عربستان خواهد شد. از همین رو، به دنبال شکست محور مقاومت به رهبری ایران هستند. پیوند محور مقاومت با ایران و ایجاد یک قدرت جدید در عرصه بین‌المللی سبب نگرانی استکبار جهانی شده است. بنابراین آمریکا و عربستان هرچا ظرفیتی برای تقویت قطب قدرت به رهبری ایران باشد با آن برخورد خواهند کرد. از نگاه جغرافیایی، یمن یکی از کشورهای استراتژیک و مسلمان که تعداد قابل توجهی از مردم این کشور شیعیان زیدی هستند سبب نگرانی آمریکا و عربستان شده‌است. بنابراین عربستان با حمله می‌خواهد مانع پیوند یمن به ایران شود. همچنین یمن به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک در منطقه، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به همین دلیل این کشور برین عربستان نیز اهمیت زیادی دارد. عربستان کشور یمن را حیاط خلوت خود می‌داند؛ در نتیجه طبیعی است عربستان به حوادث داخلی یمن و ناآرامی‌های این کشور

با روی کار آمدن ملک سلمان، الگوی سیاست منطقه‌ای ریاض دستخوش تغییری جدی شده است، تغییری که شامل روابط با تهران نیز می‌شود. عربستان سعودی در پارادایم جدید سیاست منطقه‌ای خود از بسیاری از قوانین ناوخته‌اش در تعامل با ایران عبور کرده است به طوری که برخی کارشناسان غربی احتمال جنگ میان ۲ کشور را می‌دهند، هر چند با شکست‌های متعدد سعودی‌ها در مساله سوریه و ناموفق بودن حملات نظامی آنها در یمن احتمال این موضوع به درصد پایینی رسیده است. حاکمان سعودی در فضای موجود با درک افزایش حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران با چراغ سبز کشورهای غربی بویژه آمریکا سعی دارند به شکل‌های مختلف سیاست‌های ایران را در منطقه با شکست روبه‌رو کنند و در نقاطی که احساس می‌کنند حوزه نفوذ ایران در حال رشد است از گروه‌های تروریستی حمایت ویژه می‌کنند یا در نقاط همچون یمن حملات نظامی خود را افزایش می‌دهند.

■ **انتحار سعودی‌ها در کاهش قیمت نفت**

در پی افزایش سیاست‌های خصمانه آل سعود نسبت به ایران، این دولت در اقدامی انتحاری با افزایش بی‌رویه تولید باعث کاهش قیمت نفت شد تا از مسیر افزایش تولید، در آمد خود را برای تأمین نیازهایش در کمب‌های سیاسی تأمین کند و از دیگر سو ایران را که تحت فشار تحریم‌های آمریکایی–اروپایی قرار دارد با کاهش درآمدهای نفتی روبه‌رو کند. دولت سعودی به عنوان بزرگ‌ترین کشور صادرکننده نفت در دنیا سعی دارد حاکمیت بازارهای نفتی را دست بگیرد اما قطعاً کاهش قیمت نفت می‌تواند به از بین بردن آنها منتهی شود. دولت سعودی در حال حاضر جنگ مستقیم و غیرمستقیم خود را با دلارهای نفتی خود در یمن و سوریه به عراق و– دنبال می‌کند، این کشور میلیاردها دلار در چارچوب کمک‌های سیاسی ههفمند به مصر و اردن و الجزایر و بحرین و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ارائه می‌کند تا از حاکمیت این کشورها در راستای حمایت از خود دفاع کند و از قدرت سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی رای پیشبرد اهداف خود و ترمیم چهره تیره و تار خود بهره ببرد. هزینه‌های سیاست خارجی عربستان سعودی به این ترتیب تا حد زیادی بالا رفته است، این در حالی است که درآمدهای نفتی این کشور در پی کاهش شدید قیمت نفت بشدت افت کرده و ریاض مجبور شده است ماهانه بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار در برابر ایران قرار گیرد اما نتوانسته‌اند از قدرت ایران بکاهند. در این میان عربستان سعودی با توجه به ویژگی‌های ذکرشده رقیبی را جز ایران در منطقه و کشورهای اسلامی نمی‌بیند لذا تلاش دارد با ضربه زدن به ایران مسیر را برای رهبری خود ابتدا در جهان عرب و سپس در جهان اسلام هموار کند اما یکی از ضعف‌های عمده عربستان در مسیر این تلاش‌ها نبود حکومتی مردم‌سالار، وجود حاکمانی عجول و کم‌تجربه، حمایت بیش از اندازه از گروه‌های تروریستی و وابستگی شدید به آمریکا و غرب است. عربستان مدت‌هاست با پیش گرفتن سناریوی رهبری جهان عرب سعی کرده با ارائه تصویری تازیک از ایران، جمهوری‌اسلامی را به عنوان مهم‌ترین تهدید علیه جهان عرب و از آن سو خود را به عنوان منجی جهان اسلام و در خط مقدم مقابله با ایران معرفی کند لذا بر این باور است با افزایش تنش با ایران و قطع ارتباط با این کشور هم‌زمان با فضاسازی علیه ایران، می‌تواند همراهی جهان عرب را با سیاست‌های منطقه‌ای خود به دست آورد و آنها را بسا این اقدامات عجولانه و بی‌پشتوانه همراهی کند.

■ **کدهای ژئوپلیتیک برای استراتژی حذف؛ ترویج هرچ و مرج در کشورهای اطراف**

با تکیه «سلمان بن عبدالعزیز» بر تخت پادشاهی سعودی، تغییرات مشهودی در هیات حاکمه این کشور شکل گرفت و حکام جدید که غالباً افراد جوان و کم‌تجربه هستند رفتارهایی را در سیاست‌خارجی سعودی نشان دادند که رویه‌ای به مراتب تندتر از گذشته بود و با اقدامات خصمانه‌تری همراه بود. حاکمیت جدید سعودی در راستای تقویت تخت پادشاهی خود سعی کرده هرج و مرج را در کشورهای اطراف خود نظیر سوریه و عراق یا یمن نهادینه کند. این کشور دهها میلیارد دلار برای حمایت از رژیم‌های متحد و عناصر مسلح وابسته به خود جهت ایجاد این هرج و مرج در منطقه هزینه کرده و جنگی ویرانگر را ضد ملت یمن راه انداخت؛ جنگی که در نتیجه دلا‌های نفتی سعودی همچنان مورد توجه جامعه جهانی قرار نگرفته و هیچ اقدام مثبتی جهت توقف آن انجام نشده است.

■ **وحشت از افزایش حوزه نفوذ ایران**

عربستان سعی دارد این مفهوم را در منطقه و سطح جهان القا کند که هیچ‌کس قادر به ایستادگی در برابر سیاست‌های این کشور نیست، اقدامات خصمانه رژیم سعودی ضدايران و استبداد این کشور در به بن‌بست کشاندن پرونده‌های سیاسی برای توقف بحران سوریه را می‌توان به عنوان شاخص‌هایی در این راستا ترسیم کرد.

هم‌رز حساس باشد البته یمن برای عربستان اهمیت راهبردی نیز دارد و این امر دلایلی دارد که اصلی‌ترین آن استقرار یمن در مسیر ۳ گذرگاه اساسی است. در حالت کلی باید گفت عربستان سعودی نظم منطقه‌ای شکل گرفته پس از تحولات جهان عرب در راستای منافع موجود را قبول ندارد و این توازن قدرت منطقه‌ای را در تقابل با نگاه و سیاست‌های خود ارزیابی می‌کند. به همین دلیل آل‌سعود در پی آن هستند با بهره‌گیری از بحران‌ها و فرصت‌های موجود، نظم– و توازن قدرت موجود منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهند. همچنین سیاست فعالانه این کشور نسبت به تحولات جهان عرب بویژه درباره یمن، نشانگر تلاش عربستان برای ایفای نقش فعالانه در منطقه با هدف تغییر توازن قوای منطقه‌ای از دست رفته به سود خود است. رقابت ۲ قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان در یمن، رقابتی ژئوپلیتیک برای افزایش نفوذ است که بعدی مذهبی به خود گرفته‌است. با توجه به اختلافات گسترده سرزمینی عربستان با یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

عربستان و یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشمانداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان و منافع امنیتی ایران خواهد افزود و با وجود این، رقابت منطقه‌ای با ایران و اهداف برتری طلبانه ریاض در مقابل تهران، نه‌تنها هزینه عملیات نظامی را بر عربستان آسان کرده است، بلکه این کشور را برای گسترش ابعاد تصمیم خود و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، ترغیب کرد. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی–سنی در منطقه به نمایش گذاشت. تحولات

■ **پژوهشگر حوزه جغرافیای سیاسی**

تاریخ مشروطه

- دکتر موسی نجفی

بیان شیخ در این‌باره، چنین صراحت می‌یابد:

روزنامه زاویه مقدسه، در یوم سه‌شنبه ۱۶ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵ قمری:

البته عموم مسلمانان، مجلسی می‌خواهند که اساسش به اسلامیت باشد و بر خلاف قرآن و بر خلاف شریعت محمدی(ص) و بر خلاف مذهب مقدس جعفری، قانونی نگذرد. من همچنین مجلسی می‌خواهم، پس من و عموم مسلمین بر یک رأی هستیم. اختلاف میان ما و لا مذهب‌هاست که منکر اسلامیت و دشمن دین حنیف هستند؛ چه بایمه مزدکی مذهب و چه طبیعی فرنگی مشرب، طرف من و کافه مسلمین، اینها واقع شده‌اند و شب و روز در تلاش و تک و دو هستند که بر مسلمان‌ها این فتره ره مشتهه کنند و نگذارند که مردم ملتفت و متنبه بشوند که من و آنها همگی، هم‌آری و همراه هستیم و اختلافی نداریم. ایها المؤمنون، تلگرافی که این چند روز به اسم حجج‌الاسلام والمسلمین آقای حاجی و آقای آخوند و آقا شیخ عبدالله – دامت برکاتهم– طبع و انتشار داده‌اند، ما مهاجران آن تلگراف را قبول داریم و مقصد ما همان است. که در آن تلگراف، مندرج است کسانی که از روی قوانین خارجه، نظامنامه اساسی برای مجلس شورای ملی تدوین می‌کنند، اگر نگارشات خود را بر طبق همان صورت تلگراف قرار بدهند، دیگر دعاگوین را هیچ شکایت و موجب مهاجرت نخواهد ماند.

یکی از طرح‌های علمی که آیت‌الله حاجی شیخ فقیل‌الله نور(ره) جهت متحد کردن جناح و اندیشه مذهبی در مشروطیت مطرح کرد، مساله نظرات فقها بسر قوانین مجلس است. این طرح را تمام علمای مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه پذیرفتند و هیچکس با آن مخالفتی نکرد. منتها جناح بحران‌پرانیگز غربگرای مشروطه، با ملتمس کردن این طرح و کم‌رنگ جلوه دادن آن، مساله نظارت ۵ مجتهد تراز اول را به نحوی که در کنترل مجلس باشد، تنزل دادند و قانونی که به‌عنوان متمم اصل دوم قانون اساسی اضافه شد، بدین صورت بود که علمای اسامی ۲۰ نفر را به مجلس اعلام کنند تا مجلس آن را به اتفاق آرا یا به قید قرعه ۵ نفر را از میان آنان برگزینند. اگر چه مساله آراءمش و اتحادی را برای جبهه مذهبیون به ارمان آورد و ثابت کرد که آنان در کلیات و اصول، اختلاف جدی ندارند، با اینحال، این طرح نشان‌گویایی از تحرک و مقاومت عناصر غربگرای متجدد ضدمذهبی مشروطه در کشور جلوه دان‌قوانین و حاکمیت اسلامی است.

البته چنانکه قبلاً متذکر شدیم، مساله اختلاف آرا در بین علمای عصر مشروطیت، به هر صورت به طور طبیعی وجود داشته است و موضع‌گیری‌های تند و گاه تحریکات اطرفیان و روزنامه‌های غربی باعث می‌شد فضای سالم تبادل آرا با مسوم شود. به این محور بررسی باید این عامل را هم اضافه کرد که مساله اختلاف تمایز آرا فقط به بینش اجتهادی و تفسیر فقهی باز نمی‌شود (هرچند که عامل فوق، از مهم‌ترین عوامل تفاوت آرا به‌شمار می‌رود)، بلکه عوامل دیگری چون بیشش سیاسی، سوابق مبارزاتی، منابع اطلاعاتی، زاویه دید از نظر جغرافیایی و روند تاریخی نهضت و همچنین میزان دخالت عملی در سطح رهبری و شناخت حیل‌های روشنفکرانه و حتی شناخت مغرب زمین و سیاست‌های استعماری نیز می‌توانسته است موضع‌گیری‌های متفاوت بین علما را باعث شده باشد.

■ **اختلاف مشرب در نخستین گرایش‌های بینابین مذهبی، التقاطی و غربی سده اخیر**
هماطور که در گرایش دینی مشروطیت نمی‌توان نوعی تفکر یکدست و با سلیقه یکنواخت را مشاهده کرد، در جریان روشنفکری نیز تفکر، سلیقه و طرز برداشت یکسانی حاکم نبوده است؛ و در اینجا حتی باید گفت که دور از انصاف و تحلیل صحیح تاریخی است اگر همه گرایش‌های روشنفکرانه به یک چوب رانده و همگی سر در آخور اجنبی معرفی شوند. در این قشر نیز اشخاصی یافت می‌شود که به ملت و مردم عشق می‌ورزیدند، مشتاق پیشرفت بودند، و رنج عقب‌ماندگی آزارشان می‌داد؛ منتها فکر آنان درباره درمان یا در مان‌های احتمالی بیماری جامعه، به ساحل نجات واقعی نمی‌رسید.

در این قسمت ضروری است یک نکته دقیق از تاریخ مشروطیت یادآوری شود و آن، این است که اگر بخواهیم درباره طبقه یا ماهیت قشری که بیشترین فعالیت را در صحنه جزایر مطبوعات و رسنالش سیاسی داشتند، سخن بگوییم، باید اذعان کنیم که در تحقیق تاریخی خود، به گروهی بینابین یا قشر خاصی می‌رسیم که هم در ردیف روحانیان جوان و تند و پرشور و هم در صف آزادی‌خواهان و نویسندگان ضداستبدادی قرار می‌گیرند.

ادامه دارد